

هشت بهشت

دی ماه ۱۳۹۷

نگاهی زنانه به فیلم رگ خواب

دیدار بی یار یلدا

یک فنجان کتاب

مجازیسم





ملت ایران این استعداد را دارد که آنقدر پیشرفت کند که به بتواند در جهات گوناگون به عنوان یک الگویی در دنیا خودش را نشان دهد. چرا ما به خودمان بدبین باشیم؟ چرا با نظر تحقیر به خودمان و ملت خودمان و آینده ی خودمان نگاه کنیم؟ دشمن می خواهد این را به ملت ما تلقین کند و در طول سال های متمادی تلقین کرده است. این جور باورانده اند که حتما عنصر غربی پیشرو است و باید دنبال او حرکت کرد؛ نه، یک روزی تاریخ ما به ما نشان می دهد که قضیه بلعکس بوده است. ما در دنیا پیشرو بودیم؛ پیشرو در علم بودیم، پیشرو در صنعت بودیم، پیشرو در تمدن سازی بودیم، پیشرو در فرهنگ بودیم؛ دیگران از ما یاد می گرفتند، می آموختند؛ چرا امروز همان طور نشود؟ همت جوانان ما و نگاه آن ها به مقوله ی پیشرفت باید آن جور باشد که ما آن آینده را در نظر بگیریم.

من چندی قبل به جوانه ای دانشجو و نخبه این نکته را گفتم، باید همت شما این باشد که در دنیا به وضعی برسیم که اگر کسی بخواهد به تازه های علمی دست پیدا کند، مجبور باشد زبان فارسی را یاد بگیرد. جوانان ما این آینده را به عنوان یک آینده ی حتمی و قطعی در نظر بگیرند، برای آن تلاش کنند، برای آن کار کنند. نخبگان ما، نخبگان سیاسی ما، نخبگان علمی و فرهنگی ما، با این نگاه به آینده حرکت کنند، برنامه ریزی کنند و به هیچ حدی قانع نباشند. این مقوله ی پیشرفت است.



■ مدیر مسئول

مهدیه قناعت

■ سردبیر:

فائزه معینی

■ مدیر اجرایی:

زینب عالیشان

■ هیئت تحریر:

زینب عالیشان

ریحانه بهارلو

مهدیه قناعت

الهه جعفری

فاطمه صالحی

مریم نفر

الهام درخشان

ساناز آذری

■ ویراستار

مهدیه قناعت

■ گرافیک و صفحه آرایی

فتانه گردانی

■ سر مقاله ۴ سخن سردبیر

■ پرفروش‌های کتاب

■ نو رسیده‌ها ۵ شعروادب در اصفهان

■ آنچه در آینده

خواهد بود

۶ درس زندگی
(کوله بار تجربه)
■ مصاحبه با آقای
دکتر مختاری

۷ مجازیسیم
۸ یلدا یک نوار
سیاه و بلند...

۹ آنگاه که کاغذها
جان می‌گیرند
■ نگاهی زنانه به فیلم
"رگ خواب"

۱۱ شاعرونکی
■ دیدار بی یار
■ دو نرگس مستانه
■ میهمانی

۱۲ چند کلمه حرف
حساب
■ نوشتن آسان
نیست...

۱۳ معرفی کتاب
"مردی در تبعید ابدی"
۱۴ یک فنجان کتاب
■ تیکه کتاب



ارتباط با ما



فائزة معینی
کارشناس پیوسته
آموزش ابتدایی ۹۶

سخن سردبیر

عرض سلام و ارادت ویژه خدمت ادب دوستان و مهرورزان صاحب قلم و عشق پرور که با زیبا نگاهی خود و حمایت های مهربانانه شان مامنی امن برای تولد دوباره هشت بهشت فراهم کردند، تا در بستری پرشور به وادی شکوفایی برسد و همچنین مسبب جریان مجدد شهد ادبیات در جویبارانی از بهشت عشق شدند.

اکنون زمان سلام رسیده است... سلامی نو رسیده... بر اندیشه های خلاق، دست های توانا، قلم های نویسا، و چشم های خوانا امید است که با یاری شما دوستان بار دیگر هشت بهشت رنگ بهشت بر خود بگیرد و بار دیگر برگری از دفتر موفقیتش ورق بخورد. همواره منتظر حمایت های دلگرم کننده ی شما هستیم... توفیق رفیق طریقتان باشد و همواره مسرور و منصور باشید... هشت بهشت جای خالی دلنویس های شماست.

فائزة معینی

سردبیر نشریه هشت بهشت



نویسنده: مریم نفر
کارشناس پیوسته آموزش ابتدایی ۹۷



جشن رونمایی و امضای
کتاب پیاده روی روی
ماه اثر مصطفی مستور
در تاریخ ۲۵ دی ماه
۱۳۹۷ برگزار شد.



پرفروش ترین های بازار کتاب ایران در
پاییز ۹۷

چهارمین دوره طرح پاییزه کتاب پاییز
امسال برگزار شد. طرحی که رونقی هر
چند کم رقم برای کتابفروشی ها و
ناشران و البته همراهی مخاطبان کتاب
داشت.



شعر و ادب در اصفهان:

* نخستین دوره ی جایزه ادبی جمالزاده در اصفهان
آغاز به کار کرد. این جشنواره در هفته اول بهمن
ماه در اصفهان برگزار خواهد شد. و مهلت ارسال
آثار آن تا ۲۰ آذر ماه بوده است.
سومین دوره جشنواره سراسری دانشجویی داستان
کوتاه زاینده رود مهلت ارسال آثار تا اول اسفند
ماه ۹۷.
برنامه ی سه شنبه های داستان در زمستان ۹۷ از ساعت ۷-۵
باجضور سیاهش گلشیری در مرکز آفرینش های
ادبی قلمستان اصفهان

برگزاری مراسم پایانی جایزه ادبی «سیمرغ»
ایسنا ۳۰ دی ماه ۹۷

مراسم پایانی «چهارمین جایزه داستان
کوتاه سیمرغ» چهارم بهمن با حضور
داوران، داستان نویسان منتخب شرق کشور
و نویسندگان نیشابور برگزار می شود.
مصطفی بیان - دبیر جایزه ادبی داستان
کوتاه «سیمرغ» - در گفت و گو با ایسنا
اظهار کرد:

مراسم پایانی چهارمین دوره جایزه ادبی
داستان کوتاه «سیمرغ» با تقدیر از جعفر
توزنده جانی، نویسنده کتاب های کودک
و نوجوان، از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در سالن
شماره دو پردیس سینمایی شهر فیروزه
نیشابور برگزار می شود.

او افزود: داوری این دوره از جایزه ادبی
«سیمرغ» بر عهده محمدجواد جزینی،
نشاط داودی و مژگان مظفری بوده است.



آنچه در آینده برگزار خواهد شد:



سومین جشنواره فیلم
کوتاه زنجان مهلت ارسال
آثار تا اردیبهشت ۹۸



مهلت ارسال جشنواره ادبی
جهادگران تا تاریخ
۹۷/۱۱/۱۰ تمدید شد.

مصاحبه کننده : سانا آذری
نویسنده : فائزه معینی



مصاحبه و گفت و گو با آقای دکتر مختاری

مصاحبه ی امروز، مصاحبه ی فوق العاده جذابی است با یکی از بهترین های عرصه ی ادبیات، بزرگمردی از عرصه ی شعر و ادب و سخن فارسی

■ سلام خیلی ممنون که مهربانی کردید و وقت با ارزشتان را در اختیار بنده قرار دادید. لطفا خودتان را معرفی کنید...

به نام آن که تمام عظمت و عزت از اوست و نام آن سلام است. سین آن سلامتی، لام آن لطافت و زیرکی، الف آن آبرو و عزت است و میم آن محبت را در نوید دارد. پس بر همه شما بزرگان و سترگان و عزیزان سلام عرض میکنم. خدایار مختاری هستم. دارای دیپلم ریاضی فیزیک، لیسانس اقتصاد نظری و ادبیات عرفانی، فوق لیسانس ادبیات عرفانی و دکترای ادبیات غنایی از دانشگاه اصفهان.

■ لطف می کنید چندتا از آثار ادبیتان را معرفی کنید؟ و بخشی از رزومه کاریتان را مطرح کنید؟

بنده نگارنده ی ۹ مقاله علمی پژوهشی و ۴۸ مقاله همایشی و ۵ مقاله ISI و سه جلد کتاب، همچنین داور نشریه های "کانون ادبی اصفهان" و "معارف قم" هستم. و در سمت ویراستاری و نویسندگی چند نشریه و ماهنامه فعالیت می کنم. سه تا از کتاب هایم در حال چاپ و نگارش و ویرستاری است.

■ از چه زمانی به ادبیات علاقه مند شدید؟

تقریباً بعد از گرفتن دیپلم ریاضی و قبول شدن در رشته اقتصاد نظری در اواسط کار ذوق ادبی و علاقه مندی به ادبیات فارسی در من بوجود آمد.

■ توصیه شما برای کسانی که تازه وارد عرصه شعر و ادب شده اند و تازه دست بر قلم برده اند چیست؟

تا آن جایی که امکان دارد مطالعه کنند چرا که هرچه بیش تر بخوانند نگارش قوی تری خواهند داشت. می توانند از مثنوی که آزاد ترین نوع شعر است شعر گفتن را آغاز کنند. اما برای نویسندگی تا می توانند گنجینه لغات را بالا ببرند. در اول و آخر کار فقط و فقط مطالعه است که میتواند کمک کند تا خوب بنویسند.

■ علاوه بر شعر و ادبیات در چه زمینه ی دیگری تبحر دارید؟ در زمینه فن بیان و سخنوری و در زمینه مباحث اقتصادی و نهج البلاغه

در حال حاضر در کجا مشغول به کار هستید؟ در دانشگاه فرهنگیان باهنراصفهان، در دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه آزاد فلاورجان

■ با توجه به تبحر شما در زمینه فن بیان از آنجایی که این مهارت یکی از مهم ترین مهارت های یک معلم است چه توصیه ای برای تقویت آن برای دانشجو معلمان دارید؟

من معتقدم کسی که پا به عرصه ی معلمی می گذارد از ابتدایی تادانشگاه باید تا می تواند در کارگاه های فن بیان شرکت کند. و به واسطه ی خوب سخن گفتن است که دیگران از کلام او لذت می برند و همچنین مطالعه ی نهج البلاغه می تواند در شیوایی سخن و خطیب شدن آن ها تاثیر به سزایی داشته باشد. چراکه حضرت علی (ع) در نهج البلاغه درباره سخن تاکید بر سنجیده و مختصر و مفید بودن دارند. و همانطور که خواجه شیراز می گوید:

دل نشین شد سخنم تا تو قبولش کردی

آری آری سخن عشق نشانی دارد

■ بسیار زیبا... و اما سخن پایانی؟

توصیه من این است که کسانی که وارد عرصه ی ادبیات می شوند بایستی دائماً در حال مطالعه باشند و در بند مدرسه و دانشگاه و مکتب نباشند. اگر کسی بخواهد ادبیات را به تمام معنا یاد بگیرد باید شبانه روز کتاب به دست باشد.



گردآورنده: الهه جعفری
کارشناس پیوسته
آموزش ابتدایی ۹۷

یلدا یک نوار سیاه و بلند بود که پاییز آن را با خود آورده بود تا دور من پیچد، دور تمام شنبه ها و جمعه هایم. دور تمام ماه ها و فصل هایم.

من امشب این نوار سیاه را پاره میکنم تا خورشید کوچکم را که زندانی است آزاد کنم.

هر آدمی خورشیدی دارد که باید شبی نجاتش دهد.

#عرفان_نظر_آهاری



به تب و لرز تلخ تنهایی
به سکوتی که نیست عادت کن
درد وقتی رسید و فرمان داد
مثل سرباز خوب اطاعت کن

سعی کن وقت بی کسی هایت
گاه لبخند کوچکی بزنی
فکر فردای پیری ات هم باش
گریه هم میکنی قناعت کن

زندگی می رود به سمت جلو
تو ولی می روی به سمت عقب!
شده ای عضو تیم یک نفره
پس خودت از خودت حمایت کن

بین تن های خالی از دل خوش
هی خودت را بگیر در آغوش
دزدکی با خودت برو بیرون
و به تنهایی ات خیانت کن!

گرچه خو کرده ای به تنهایی
گرچه این اختیار را داری
گاه و بیگاه لذت غم را
با رفیقان دوست قسمت کن

شعر، تنها دلیل تنهاییست
هر زمان خسته شد دلت برگرد
ماشه را سمت دفترت بچکان
شعر را تا همیشه راحت کن!
#امید_صباح_نو

و این منم زنی تنها در آستانه فصلی سرد
در ابتدای درک هستی آلود زمین
و یاس ساده و غمناک آسمان
و ناتوانی این دستهای سیمانی
زمان گذشت

زمان گذشت و ساعت چهار بار نواخت
چهار بار نواخت

امروز روز اول دیماه است
من راز فصل ها را میدانم
و حرف لحظه هارا می فهمم

نجات دهنده در گور خفته است
و خاک، خاک پذیرنده
اشارت نیست به آرامش

زمان گذشت و ساعت چهار بار نواخت
در کوچه باد می آید
در کوچه باد می آید

و من به جفت گیری گلها می اندیشم
به غنچه هایی با ساق های لاغر کم خون
و این زمان خسته مسلول

و مردی از کنار درختان خیس می گذرد
مردی که رشته های آبی رگ هایش
مانند مار های مرده از دو سوی گلوگاهش
بالا خزیده اند

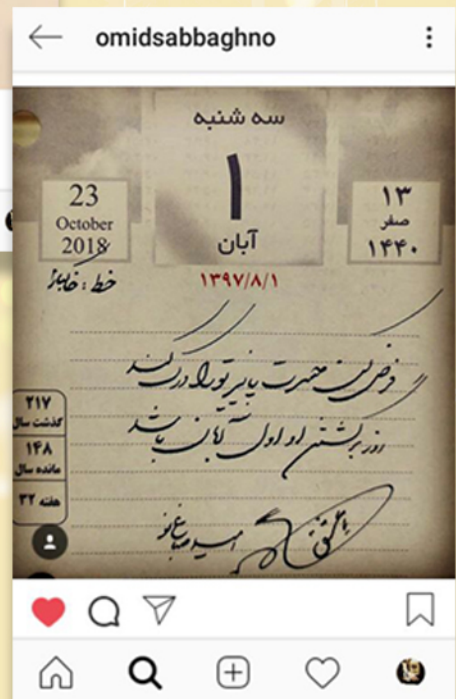
و در شقیقه های منقلبش آن هجای
خونین را تکرار می کنند

_سلام

_سلام

و من به جفت گیری گلها می اندیشم
در آستانه فصلی سرد
#فروغ_فرخزاد





لیلا حاتمى كوروش نهایی



نویسنده : ریحانه بهارلو
کارشناس پیوسته
آموزش ابتدایی ۹۶

نگاهی زنانه به فیلم « رگ خواب »:
تقابل عشق و هویت

به بهانه ۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان

از مناسبت های مهمی که در آذر ماه پشت سر گذاشتیم روز جهانی منع خشونت علیه زنان بود. خشونت علیه زنان اصطلاحی است که برای توصیف کلیه کارهای خشونت آمیز علیه زنان به کار می رود.

معمولا با شنیدن این ترکیب، خشونت های فیزیکی به ذهن خطور می کند و اغلب مواقع از خشونت های پنهان مانند خشونت های کلامی و روانی، که بیشتر از مورد اول اتفاق می افتد، غافل می شویم.

فراموش می کنیم که خشونت تنها کتک خوردن و کبود شدن نیست بلکه در پشت سنت های دست و پا گیریکه عامه مردمتن به آن داده اند عمق بیشتری دارد.

لطیفه های جنسیت زده، ضرب المثل ها و حکایات ادبی، برخی سنت ها و رفتارهای اجتماعی که سعی در ضعیف جلوه دادن اراده و تفکر زنانه دارند هم نوعی خشونت محسوب می شود.

خشونت علیه زنان یعنی در یک رابطه دو طرفه، همیشه زن باید گذشت کند، عقیده اش را کنار بگذارد و صدها مثال قابل مشاهده دیگر. در این یادداشت ما با بررسی فیلم رگ خواب به نقش خود زنان در میزان خشونتی که بر آنها وارد می شود، می پردازیم.

در بررسی شخصیت مینا که نقش اول داستان است و فیلم حول محور او و افکارش می گذرد، به رابطه او با سه مرد می پردازیم. همسر سابقش، پدر و پررنگ تر از همه کامران معشوق مینا. مینا در ازدواج اول خود ناکام بوده، آرامش نداشته و در توصیف همسر سابقش از اعتیاد او سخن می گوید. مینا در رابطه با پدر هم جایگاه و هویت مستقلی ندارد.

پدرش همیشه به بهانه مصلحت گرایی و آگاهی بیشتر، از بالا به او نگاه میکند. و هیچ وقت با پدرش احساس صمیمیت و نزدیکی نکرده، او بیشتر از هر حسی، حس ترس مینا نسبت به پدر به بیننده القا می شود. او دوست دارد پدر خود را ببیند.

اما واضح است که رابطه او با پدرش بعد از ازدواجش تمام شده و پدر دیگر پذیرای او در زندگی خود نیست. مینا بخاطر رابطه های ناکامی که با همسر سابق و پدرش داشته و به دلیل دریافت نکردن محبت از سمت آن ها، با توجه های کوچکی که از جانب کامران می بیند

تبدیل به مجنونی می شود که نمونه آن را در داستان ها می بینیم. عاشقی که بی قید و شرط عشق می ورزد و معشوق را خداوندگار خود می بیند.



بدرفتاری ها و خشونت هایی که علیه او اعمال می شود، چشم پوشی می کند.

در آخر زنان نقش مهمی در کاهش و جلوگیری از اعمال برخی از خشونت ها دارند. هویت و تفکر مستقل داشتن شاه کلید گمشده زن کنونی جامعه ایرانی است.

اعتماد به نفس و داشتن هویتی مستقل از دیگری، به فرد اجازه و اراده تصمیم گیری و برنامه ریزی می دهد.

زمانی که فرد بتواند مهارت های لازم برای زندگی را کسب کند، کمتر در موقعیت ضعف یا در جایگاه قربانی قرار می گیرد و می تواند در بحران های زندگی خود را مدیریت کند.

بر خلاف تصور غالب جامعه که استقلال هویتی زن را در تقابل با عشق و محبت او در خانواده می دانند باید دانست که زن مستقل عاشقانه تر مادری می کند، عاشقانه تر همسری می کند و مهم تر از همه، عاشقانه تر زندگی می کند.

مینای همیشه در موقعیت ضعف این بار هم به دنبال تکیه گاه است و کامران را فرشته حامی خود می داند.

چیزی که مینا را تبدیل به زنی وابسته و همیشه در موقعیت ضعف کرده، مستقل نبودن اوست.

ما با زنی رو به رو هستیم که خوشبخت و شاد بودن را بلد نیست و زندگی اش وابسته به حضور مردی در کنار اوست، زنی که درس اش را نیمه کاره رها کرده است، مهارتی برای حضور در اجتماع و کسب درآمد ندارد، توان مدیریت احساسات و بحران های زندگی اش را ندارد و در یک کلام بی دست و پا است. زنی که همیشه نیاز به حامی و تکیه گاه دارد.





نویسنده: مهدیه قناعت
کارشناس آموزش ابتدایی

دو نرگس مستانه

و عشق، منحنی کنج لب توست؛
آن گاه لبخندت، بر مروارید دهانت مُشرف شود؛
خبر از سر درون دهد و راز تو را فاش کند.
نرگس مستانه ات، آن دو گوهر سوخته رنگ،
آنچه را درون قلب توست لَو می دهد. چهار ضلع
تنت حک شده بر مردمک مشکین من
رگ های بدنم، تشنه تر از قبل، خواهان قلب
توست.

معشوق من!!

چگونه چو نرگس مست، مرا به بوی تن خود
می کشانی؟

به گمانم نیوتون به کشف تو دیر رسید...
که دلیل جذب آسمان قلب من،
به زمین وجود پر از رمز و راز تو،
لبخند سرخین و پر از شور تو بو



نویسنده: فاطمه صالحی
کارشناس پیوسته زبان
و ادبیات فارسی

میهمانی

تو آمدی و آمده ام میهمانی

من عاشقم و خوب خودت میدانی
هر قطره ی باران که زمین می بوسد
ای عشق تو اورابه کرم می خوانی
این شوق زمین خوردن قطره در دست
اما قدر آن است، که شود زندانی
رندان نظر باز بدان می خندند....
کاین کاربود بی خرد و نادانی
ای حضرت عشق ازلی حرف بزن
روشن بنما این سخن پنهانی
هر کس برود در طلبش می فهمد
کاین ره نبود خواب و خور و آسانی
ای بی خبر از بی خبران هوش بیا
مدهوش شو از این همه سرگردانی
حین، آمده ای آمدنت خوش بادت
کاین ره بر دت بر وطنی نورانی...



نویسنده: زینب عالیشان زواره
کارشناس پیوسته
آموزش ابتدایی ۹۶

دیدار بی یار

چهره شهر از وداع تلخ و شبانه پاییز به گچ
می گراید. بهمن سخت، دلتنگ عطر مستانه
باران در میان زلف هزار رنگی رها شده آذر
است. در میان باغ عریان به دنبال پیراهن او
می رود تا شاید قلب یخ زده اش را به
نوری، بینا کند. پیراهن را به دست درختان
باغ سپرده بود. از درختان جویای پیراهن آذر
می شود؛ همان پیراهنی که پاییز همه
مهرش را در آن ریخته بود. اما درختان از
شرم بی جوابی، کمر شکسته می شوند.

بهمن از نبودنش کولاک می کند و تمام راه
هی شهر را می بندد که آذر پای از این
بیشتر رفتن را نداشته باشد. اما دیگر دیر
شده است و او رفته ...

بهمن در کوچه پس کوچه های شهر قدم
می زند. نبودنش را در هوا، ها می کند.
هایی سرد، که همه شهر را تعطیل و فلج
می کند. آسمان در این غم دانه دانه می
بارد و او را در خیابان های خاطره سُر می
دهد. پسر جوان، شب گردی شبانه را به
آشیانه ته باغ ختم می کند.

اجاق خاطره ها را روشن می کند. کلاه
بودنش را که دی بر سرش گذاشته بود، بر
می دارد. فاصله میان انگشتانش را به جای
دستان پر از مهر آذر، سردی فراق در جیب
سوراخ شده آرزوها پر می کند.

بهمن که آمده بود تا اسفند برای ماه
آذرش، آتش کند اکنون از وارونگی هوای
روزگار سخت نفش می کشد و از پشت
پنجره تب دار، نبودنش را با آب شدن یخ
بغضش نظاره می کند و ...

گردآورنده: الهام سادات درخشان کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی ۹۶

نوشتن آسان نیست. حتی شاید بتوان گفت بسیار هم دشوار است. چرا؟ چون نوشتن در واقع همان فکر کردن است اما روی کاغذ.

دیوید مک کالو، برنده پولیتزر درباره نوشتن جمله جالبی دارد: برای خوب نوشتن باید خوب فکر کرد به همین خاطر نوشتن بسیار دشوار است.

۱۳ راه برای حرفه ای شدن در نویسندگی به روایت نویسندگان بزرگ جهان:

۱- مطالعه آثار بزرگان: سعی کنید آثار نویسندگان بزرگ را مطالعه کنید تا با واژه ها و سبک آنها آشنا شوید.

۲- همه چیز را با دقت مشاهده کنید: بزرگترین سرمایه هر نویسنده ای مهارت مشاهده ی دقیق اوست. پس شما هم سعی کنید نسبت به پدیده های اطراف خود بی تفاوت نباشید و همه چیز را خوب مشاهده کنید.

۳- رویا پردازی های روزانه: رویا پردازی شاید عادت چندان پسندیده ای نباشد اما می تواند شما را در پیوند خوردن با احساسات و افکار تان یاری رساند. رویا پردازی منبع تمامی نوشته های خوب و بد است.

۴- نوشتن از تجربه های واقعی شخصی: گابریل گارسیا مارکز در مصاحبه ای با پاریس ریویو براساس تجربه های شخصی خود به نویسندگان جوان توصیه کرد آنچه را که می دانند بنویسند: اگر از من بخواهید که توصیه ای به نویسندگان جوان بکنم من به آنها می گویم که آن چیزی را بنویسند که زمانی برایشان اتفاق افتاده. همیشه به راحتی می توان تشخیص داد که متن یک نویسنده برخاسته از تجربیات شخصی اوست یا آنچه از دیگران شنیده یا خوانده.

۵- نوشتن اولین اولویت شما باشد: هنری ملر در ده فرمان برای نوشتن خود آورده است: نویسنده جدی باید هنر و حرفه خود را بالاتر از همه چیزی قرار دهد.

بدین معنی که اول از هر کاری بنویسد و نقاشی کردن موسیقی گوش دادن سینما رفتن و ... باید در اولویت های بعدی قرار بگیرند.

۶- منبع الهام بخش خلاقه خود را در هر جا که ممکن است بیابید: گرتروود استین درباره فرایند نوشتن می گوید: حس خلاقانه نوشتن خواهد آمد البته اگر وجود داشته باشد و شما اجازه صادر کنید. اما برای اینکه حس نوشتن بیاید باید یک منبع الهام بخش خلاقانه برای خود پیدا کرده و مرتباً به آن رجوع کنید. استین ادامه می دهد: بهترین ایده هایش زمانی به ذهنش رسید که در حین رانندگی به گاوی کنار جاده خیره شد.

۷- آنچه را انتخاب کرده اید بپذیرید: هیچ کس مجبور تان نکرده که نویسنده باشید بلکه خودتان نویسندگی را انتخاب کرده اید پس ناله و شکایت را نکنید و آنچه را انتخاب کردید را بپذیرید.

۸- گوشه ای دنج برای تنهایی بیابید: اسمیت در کتاب قوانینی برای نویسندگان نوشته: مکانی که برای نوشتن انتخاب می کنید باید دنج و خلوت باشد و هنگام نوشتن از زمان و فضای خود محافظت کنید و همه را از نوشته های خود دور کنید حتی اگر عزیزترین کسانتان باشند.

۹- خودتان را روان کاوی کنید: فلانری اوکانر این قانون را اینگونه بیان می کند: هر کسی که از دوران کودکی جان سالم به در برده به حد کافی اطلاعاتی از زندگی کسب کرده که بتواند تا آخر عمر درباره شان بنویسد.

۱۰- جمله کلیدی یا ایده اصلی را روی هوا بنویسید: به محض اینکه ایده یا طرح جالبی به ذهنتان رسید آن را سریع روی کاغذ بنویسید.

۱۱- تنها با خودتان رقابت کنید: فاکنر در این باره می گوید: نویسندگان هرگز نباید از کاری که انجام داده اند راضی باشند. نوشته ها هرگز به آن خوبی که باید باشند از کار در نمی آیند. خود را با مفاصله کردن های بیهوده با پیشینیان و معاصران عذاب ندهید فقط سعی کنید از خودتان بهتر باشید.

۱۲- فقط انجامش بدهید: به گفته ی استفان کینگ برای نویسنده ی نیرومندی شدن باید زیاد بخوانید و زیاد بنویسید و هیچ راه میانبری وجود ندارد.

۱۳- این کار را با لذت انجام دهید: جویس کارول اوتس می گوید: با قلب خود و از سر عشق بنویسید.

نویسندگان : فاطمه صالحی
کارشناسی پیوسته زبان و ادبیات فارسی
مریم نفر
کارشناس پیوسته آموزش ابتدایی ۹۷

توجه! توجه! کتابی بسیار خواندنی و جذاب از نادر ابراهیمی:
"مردی در تبعید ابدی"

نادر ابراهیمی در ۱۴ فروردین ماه ۱۳۱۵ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در این شهر گذراند و پس از گرفتن دیپلم ادبی از دبیرستان دارالفنون به دانشکده ی حقوق وارد شد اما این دانشکده را پس از دو سال رها کرد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به درجه ی لیسانس رسید.

نوشتن را از ۱۶ سالگی آغاز کرده بود. در سال ۱۳۴۲ نخستین کتاب خود "خانه ای برای شب" را به چاپ رسانید. در پایان کتاب نامه ای از نویسنده ای گمنام از شیراز به ملاصدرا می رسد و او را به بازگشت دعوت می کند. ملاصدرا بساط سفر را فراهم میکند اما میگوید: "می رویم تا روح تبعیدی مان را در تبعیدگاه تازه ای سرگرم کنیم..." این جمله را ملاصدرا به این دلیل میگوید چون مردی در تبعید ابدی است...

اولین چاپ این کتاب توسط انتشارات "فکر روز"، در سال ۱۳۷۵ و چاپ هفدهم آن در سال ۱۳۹۶ با نشر روزبهان بوده است. این کتاب ملاصدرا را به میان مردم آورد و این فیلسوف بزرگ، حداقل در نام و ماجرای زندگی دیگر گمنام نیست.

سرگذشت و شرح عقاید و افکار ملاصدرا به زیبایی و کلام، و با هنرمندی نادر ابراهیمی در کتاب مردی در تبعید ابدی به تصویر کشیده شده است تا کسانی که مجال ورق زدن آثار متعدد این بزرگ مرد را ندارند و یا میخواهند عصاره ای از شرح حال و اندیشه ی عرفانی فلسفی او را یک جا و با یک جلد رمان سر بکشند این بخت را داشته باشند تا از نظرگاه جذاب وی، لحظات بازسازی شده ی زندگی یکی از تاثیر گذارترین فیلسوفان فلسفه ی اسلامی را به تماشا بنشینند... ملا معتقد به شنا در رویا است. بسیاری از علما اصولا این حرکت را مکروه و خلاف میدانستند.

بارها رویاپردازی ملاصدرا را می خوانیم که در حال سیر به گذشته و آینده و مناجات با خداست: ((رویا مالک شخصی من است. من با رویا به راه های خلاف نمی روم و با رویا شهوت نمی رانم. رویا لحظه های خاص از کف رفته را پیش چشم می آورد و آن لحظه را ترمیم می کند، تصحیح میکند و از نو میسازد.))

نادر ابراهیمی در کتاب "مردی در تبعید ابدی" با همان نثر آهنگین و جذابش که هر جمله را چون زر با ارزش می کند، به روایت زندگی پرمشقت ملاصدرای شیرازی پرداخته است. این آمیخته ی داستان و واقعیت، شاهکار نادر ابراهیمی است به پیشگاه بزرگ مردی که اندیشه هایش در هیچ عصری آن گونه که بایسته و شایسته ی مقام او عالی بود شناخته نشد.



تیکه کتاب:

”عشق به دیگری“، ضرورتی ست که از حادثه بر می خیزد نه از اراده به انتخاب، و همین، کار را مشکل می کند. در به در که نمی توان به دنبال محبوب خاکی گشت. در هر خانه را که نمی توان کوبید و پرسید: ”آیا یار من، اینجا منزل نکرده است؟“

سر هر گذر، همچو اوباش، نمی توان استاد و در انتظار عبور یار، زمان را کشت... و همین هاست که کار را مشکل می کند.

فرزندان، حق است که اولیا خود را، تا دم واپسین، روی دیدگان خود نگه دارند و آنچه می کنند جز در جهت رضای ایشان نباشد؛ اما این بدان معنا نیست که هر فرزندی، وقف کامل اولیا خود است، و حق برداشتن هیچ سهمی را برای خویش ندارد.

خداوند، آن کس را که در راه هدفی معتبر کشته می شود، شهید می داند؛ اما آن کس را که در راه نگهداری از اولیا خود، تمام زندگی خویش را تباه می کند، شهید نمی نامد. از دید پدران، گویی تمام معایب از مادر به فرزند می رسد، همه ی محاسن از پدر.

اینکه بندگان خوب خدا را، هم در بتخانه می توان یافت، هم در مسجد، سخنی ست بسیار کهنه مه از زمان نخستین پیامبران خدا بر انسان مسلم شده است. تقلید، در صورتی تقلید است که مقلد، انسانی بالنسبه فرهیخته و صاحب رای باشد. مقلد باید که خود قدرت تشخیص نیک از بد، درست از نادرست، راه از بیراه را داشته باشد؛ اما گرفتار شک میان این و آن باشد.

مقلد، برای آن تقلید نمی کند که بار مسئولیت ها را از گردن خود بردارد و بر دوش اهل فضل بگذارد. مقلد مغلوب، تقلید را هم بی قدر می کند.

ایمان، توان مرگ را پس پشت همه چیز افکنده بود. توکل، با مرگ همانگونه بازی می کند که طفلی با فرفره یی. اعتقاد هم مثل عشق، دردسرها دارد. شاید که جنس عشق و اعتقاد یکی باشد.



با اسکن کردن بارکد فایل
کتاب را دریافت کنید.

مسابقه عکاسی



برندگان مسابقه عکاسی هنری "خدا حافظ پاییز/زمستان سلام"

خانم مرضیه صداقت نفر اول

خانم فائزه مرادی نفر دوم

خانم الناز معینی نفر سوم

منتظر مسابقات بعدی ما باشید...

با عضویت در کانال مجازی ما در ایتا میتوانید از مسابقات و چالش های کانون شعر و ادب مطلع شوید. آیدی ما:

@ patogh_e_sher

هم چنین جهت ثبت انتقادات و پیشنهادات و شرکت در مسابقات:

@ moein_jana

گفت و گو آیین درویشی نبود ورنه با تو گفت وگو ها داشتیم

هشت بهشت جای خالی دلنویس های شماست...



وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ...

و آن خدایی کہ از (باران) آسمان آبی به قدر و اندازه نازل کرد...

۲۲ ذی قعدہ ۱۴۳۸ھ